



یکی از موضوعاتی که در همه خانواده‌ها بیشتر و کم وجود دارد سؤال کردن های کودکان از پدران و مادران است. در نظر سطحی این موضوع امری ساده و کودکانه تلقی می‌گردد و بسیاری از پدران و مادران چون اعتقاد دارند که امری ساده و بی ارزش است با بی تفاوتی از کنار این موضوع رد میشوند. عده‌ای می‌گویند انشاءالله بزرگ شده خواهی فهمیدی، برخی دیگر جواب‌های سطحی و غیر صحیح داده از آنها می‌گذرند و برخی دیگر از پدران می‌گویند چقدر حرف میزنی خسته شدم کمی راحت‌تر بگذار، آدم که اینقدر سؤال نمی‌کند.

کودکان در سن معینی سعی میکنند با لمس کردن اشیاء به ماهیت آن‌ها پی برده آن اشیاء را شناسائی کنند. در فرصت‌های بعدی که به توان سخن گفتن دست می‌یابند میکوشند این

باکمی دقت و مطالعه آشکار می‌گردد که سؤالات کودکان یک واقعیت طبیعی بوده و برای کودکان نقش حیاتی دارد؛ زیرا این سؤال کردن‌ها همانند لمس کردن اشیاء و لوازم است

و درک کردن است. از این گذشته خداوند در وجود انسان غریزه کنجاوی را قرار داده که کودک طبق آن غریزه برای وصول به شناخت خود و جهان هستی و دائماً در حال سؤال کردن است .

علاوه بر این تمام ابتکارات و اختراعات بشری از روحیه کنجاوی و عشق به شناسائی ها بوجود آمده است بشر اول سؤال میکند پس از آن انسان را در کره ماه پیاده می سازد .



یکی از اشتباهات بزرگ پدران و مادران اینست که هنوز باین واقعیت مهم و اساسی پی نبرده اند که کودک با این سؤال کردن ها می خواهد خود را بشناخت نظام آفرینش نزدیک تر سازد و سستی و بی تفاوتی در امر پاسخ دادن ها مبارزه و مقاومت در امر شناخت و بینش کودکان است. تنها عده اندکی از پدران و مادران هستند که متوجه اهمیت موضوع شده سعی می کنند با حوصله و بردباری پاسخهایی

شناسائی را بوسیله سؤال کردن ها انجام دهند .

لذا می پرسند مادران اینکه در آسمان می درخشد چیست ؟ مادران پدرم کجا می رود ؟ اداره کجاست ؟ چرا باداره می رود ؟ مادران خدا کجاست ؟ چرا خدا دیده نمی شود ؟ چرا خدا بخانه ما نمی آید ؟ و از این قبیل سئوالات .

بایک نظر بدست می آید که کودک قصدش از این سؤال کردن ها فهمیدن و شناسائی



سئوالات آنان پاسخ داده نمیشد هرگز نمی توانستند در بزرگسالی اینچنین باشند .

نکته‌ای که از ذکر این مقدمات بدست آمد اینست که سئوال کودکان را مهم تلقی کرده خود را آماده پاسخگوئی سازیم. همه میدانیم که برخی از سئوالات کودکان را بزرگترها هم قادر به پاسخگوئی نیستند. در چنین مواردی با کمال شهامت به ندانستن پاسخ سئوال اعتراف کرده بآنها بگوئیم به بزرگترها فرصت دهند تا به پاسخ صحیح دست یابند یا لاقلاً آنان را راهنمایی کنیم که از افرادی که پاسخگوئی دارند سئوال کنند بعنوان مثال از پدر بزرگ این موضوع را سئوال کنند .

موضوعی که حتماً " پدران و مادران حتی معلمان و مربیان نیز باید بآن توجه داشته باشند این نکته است که کودکان کوچک ما ذهن و فکر شان ساده و روان است هنوز به اصطلاحات علمی آشنائی ندارند. ازاین گذشته قدرت تجزیه و تحلیل آنان نیز بسیار ابتدائی است. لذا یکی از نکات ظریف و دقیق اینست که بزرگترها در پاسخگوئی به سئوالات کودکان سعی کنند بازبان کودکانه بآنان سخن بگویند .

در روایات اسلامی آمده است که همه پیامبران خدا موظف بوده‌اند با همه انسان ها از عالم و جاهل و شهری و روستائی بزبان خود آنان سخن بگویند. روی این اصل پدرها و مادرها باید خود را تنزل داده در سطح فهم و درک کودکان بآنان صحبت کنند. اینکار بسیار مهم و اساسی بوده و یک نوع هنر است که انسانها باید دارای آن بوده بتوانند در ارتباط

برای سئوالات کودکان فراهم آورند. بقیه پدران و مادران که با بی تفاوتی و سهل انگاری از پاسخ دادن ها میگذرند بزرگترین ضررورزیان را از نظر فکری متوجه کودکان خود میسازند . زیرا کودک وقتی در سئوال کردن های خود به پاسخ های قانع کننده دست رسی نمیابد بتدریج روحیه سئوال کردن در او کشته خواهد شد اینکار برابر با سرکوب ساختن غریزه شناخت و درک کودکان است . بدیهی است وقتئسی غریزه‌ای مطابق واقع در مرحله ابتدائی خود ارضاء نگردد آن غریزه بتدریج روبرو خاموشی خواهد گذاشت. اینگونه کودکان بعدها هم دیگر قادر بسئوال کردن نخواهند بود. علاوه براین قدرت سخن گفتن و احقاق حق کردن نیز در آنان از بین خواهد رفت . پرواضح است که تمسخر و استهزاء و در مواردی هم تنبیدی و عصبانیت پدران و مادران همه دست بیکدیگر داده کودک را از سئوال کردن ها باز خواهد داشت. باید با کمال صراحت اعتراف کنیم که در جوامع عقب نگه داشته شده روحیه سئوال کردن وجود ندارد، درحالی که در کشورهای متمدنی و متقدمین این روحیه در میان بزرگسالان نیز بچشم می خورد. بطوریکه در تمام مسائل اجتماعی دائماً " درحال سئوال کردن و انتقاد کردن می باشند و این یک واقعیت رشدی و فرهنگی است. زیرا انسان آزادکسی است که آنچه نمیداند بتواند بپرسد و اگر انتقاد و ایرادی بنظرش رسید با کمال قدرتمندی بتواند نظرات خود را عرضه کند .

ناگفته نماند که اگر در جامعه‌ای بزرگترها می توانند سئوالات خود را آزادانه مطرح کنند این توان و قدرتمندی معلول درست تربیت شدن دوره کودکی آنان است، زیرا اگر در کودکی

می توانند به روحيات آنان پی برده و شناسائی کنند . در ارتباط با سئوالات کودکان ، یکی از دوستان ما نقل می کرد : روزی فرزندم از من پرسید چرا امروز به بازار نرفته اید ؟ در پاسخش گفتم چون امروز روز وفات است . دوباره پرسید وفات یعنی چه ؟ باو گفتم که یک انسان شایسته ای از این دنیا رفته است و ما بسوک نشسته ایم . او دوباره پرسید آنکه از دنیا رفته است انسان خوبی بوده است یا بد ؟ اگر بد بوده که هیچ و اگر خوب بوده چرا ما در درگذشت او دچار ملال و ناراحتی میگردیم ؟ مگر او به بهشت جاویدان نرفته است ؟ پدر این کودک میگفت من بزحمت توانستم او را قانع سازم که علت تاثیر ما در ارتباط با خود او نیست بلکه ما در چنین روزی کمالات و درجات ارزنده او را بازگو کرده در پرتو این کار تلاش می کنیم که خود را در مسیر کمالات او قرار دهیم .

یک نکته تربیتی

بسیاری از پدران و مادران و معلمان میکوشند مشکلات را خود حل نمایند ولی عده کمی از ایشان برآنند خود پاسخگوی مشکلات نباشند بلکه آرام آرام از خود شاگردان و از خود فرزندان پاسخ سئوالات را دریافت دارند . این کار از نظر تربیتی بسیار مفید و سازنده است چون فرزندان بفکر و اندیشه خود تکیه کرده روحیه اعتمادشان زیادتیر خواهد شد ، در نتیجه بعدها سعی خواهند کرد که متکی بخود بوده مشکلات را خود حل نمایند .

با افراد گوناگون ، آنان را درک کرده با زبان خودشان با آنها سخن بگویند . بدیهی است کودک زبان خصوصی دارد چنانچه نوجوان و جوان هم دارای زبان خاصی هسته پدر و مادرهای آگاه و روشن سعی میکنند با کودکان خود بزبان خود آنان سخن بگویند .

اساساً پدر و مادرهای آگاه و روشن برای تربیت خوب فرزندان خود باید بکوشند زمینه هائی را در محیط خانه فراهم آورند که کودکان را بسئوال کردن و دار سازند ، چه هر قدر روحیه سوال کردن در کودکان قوی تر گردد درک و بینش آنان گسترده خواهد شد .

و اینکار توسط قرآن مجید انجام شده است زیرا خداوند بطور دائم انسان ها را به تفکر کردن و اندیشه نمودن واداشته از آنها میخواهد که به بسیاری از مجهولات پاسخ دهند .

بهترین معلمان کسانی هستند که شاگردان را وادار سازند که با مشکلات و مجهولات برخورد کرده مجبور به سئوال کردن شوند . نکته ای که باز نباید از آن غفلت کرد اینست که خود سئوالات کودکان می تواند راهنمای خوبی برای شناخت و شناسائی کودکان باشد . بدون تردید همه ما در فرصت هائی با کودکان برخورد کرده ایم که از ما سئوالات بسیار پیچیده و عمیقی را کرده اند که خود ما دچار شگفتی و تعجب شده ایم . بی شک سخن پخته و عمیق نمایانگر قدرت و توان فکری سئوال کننده است . روی این اصل می توان ادعا کرد که یک نوع هم بستگی بین محتوای سئوالات و توان فکری و عقلی کودکان وجود دارد .

و عبارت دیگر پدران و مادران و معلمان و مربیان در پرتو سئوالات کودکان و دانش آموزان

